

شناسایی الگوی منابع - روش‌های یادگیری کارآفرینان نوپا

قبر محمدی الیاسی^{۱*}، خدایار ایلی^۲، ندا مثنوی^۳

۱. دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

۲. دانشیار دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۳۱

چکیده

با وجود نقش انکارناپذیر یادگیری در فرایند کارآفرینی، الگوی جامعی که یادگیری را از منظر منابع-روش‌ها و در پیوند با عملکرد کارآفرینان توضیح دهد در دسترس کارآفرینان و پژوهشگران قرار ندارد. از این رو این پژوهش در پی ارائه الگوی منابع-روش‌های یادگیری کارآفرینان نوپای کشور است. پژوهش حاضر با روش کیفی و از طریق مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند انجام شده است. به این منظور با ۱۲ نفر از کارآفرینان نوپا و برخوردار از تحصیلات دانشگاهی، که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، مصاحبه انجام شده است و داده‌ها در سه مرحله شامل: تعیین شواهد گفتاری، شناسایی روش‌های یادگیری و مرتبط کردن روش‌ها با منابع یادگیری کدگذاری شده‌اند؛ در نتیجه این تحقیق منابع روش‌های یادگیری کارآفرینان نوپا به تفکیک مراحل فرایند کارآفرینی شناسایی و معرفی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد کارآفرینان در استفاده از منابع یادگیری شامل: تعاملات انسانی، فعالیت‌های کاری و آموزش-انتشارات دیدگاه جهان‌شمول دارند و همگان از منابع سه‌گانه یادگیری استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، در به کارگیری روش‌های یادگیری به صورت اقتضایی رفتار می‌کنند؛ به عبارت دیگر، افراد به اقتضای تفاوت‌های شخصیتی و موقعیت‌های کاری از روش‌های متفاوت یادگیری برای ایجاد و اداره کسب‌وکار استفاده کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: روش‌های یادگیری، عملکرد یادگیری، منابع یادگیری، یادگیری کارآفرینانه.

مقدمه

یادگیری فرایندی است که در آن مهارت، دانش و نگرش کسب می‌شود و باعث تغییر رفتار می‌شود (Beach, 1980).

ری، پژوهشگر عرصه یادگیری کارآفرینان، یادگیری کارآفرینانه را یاد گرفتن چگونگی تشخیص و بهره‌برداری از فرصت تعریف کرده است. به اعتقاد وی محور فرایند کارآفرینانه یادگیری کارآفرینانه است که به معنی یادگیری چگونگی انجام عمل کارآفرینی است (Rae, 2000).

بازنگری همراه با تعمق در پژوهش‌های یادگیری کارآفرینانه (Mumford, 1988; Minniti, Bygrave, 2001) نشان می‌دهد که پژوهش‌ها درباره یادگیری کارآفرینانه سه محور یا کانون دارند: منابع یادگیری (Duffy, 2007; Ravasi et al., 2004)، روش‌های یادگیری (Rae, 2000; Rauf, 2005; Mumford, 1988; Sullivan, 2000; Rae, 2005) و عملکرد یادگیری (et al., 2009; Duffy, 2006).

بررسی نظری اندیشمندان مختلف درباره یادگیری کارآفرینانه نشان می‌دهد کارآفرینان از سه منبع اساسی و ریشه‌ای شامل:

یادگیری از وظایف کاری^۱ (Mumford, 1998; Duffy, 2007)، یادگیری از تعاملات انسانی^۲ (Ravasi et al., 2004; HO, 2003) و یادگیری از منابع آموزشی-انتشاراتی^۳ (Mumford, 1988; Kuratko, 2005) برای ایجاد و اداره کسب‌وکارها استفاده می‌کنند. منابعی که به نظر می‌رسد نقش و سهم متفاوتی در شکل‌گیری یادگیری‌های کارآفرینان دارند؛ همچنین کارآفرینان برای استفاده از این منابع سه‌گانه مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، راهکارها و گزینه‌های گوناگون در جریان ایجاد و اداره کسب‌وکارها را به کار می‌گیرند که به آن‌ها روش‌های یادگیری می‌گویند. مواردی از قبیل: مرشدی (Sullivant, 2000; Warren, 2004)، دوره‌های دانشگاهی (Edwards, et al., 2005; Rae, 2005)، آموزش‌های موردی کوتاه‌مدت (Rae, 2005)، استفاده از مشاور (Rae, 2005; Mumford, 1988)، راه‌اندازی کسب‌وکار (Rae, 2005)، سخنرانی (Mumford, 1988; Wood, 2004)، نمایش انجام کار و انجام پروژه‌ها (Mumford, 1988; Wood, 2004)، سعی و خطا در جریان انجام کارها (Lohman, 2009) و مطالعه کتاب (Mumford, 1988; Wood, 2004) تعدادی از روش‌های یادگیری کارآفرینان هستند. تعمق در باب پژوهش‌های یادگیری کارآفرینانه نشان می‌دهد که تلاش‌های پژوهشی محدودی (Minniti and Bygrave, 2001; Rae, 2000; Deakins, Freel 1998) برای ارائه الگوی وحدت‌آفرین، انسجام‌بخش و مقبول بین منابع، روش‌ها و عملکرد

-
1. Learning from working
 2. Learning from Humans/Other
 3. Learning from training-publications

کارآفرینانه صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر، با وجود مطالعات گسترده در پیشینه موضوع یادگیری تاکنون پژوهشی شفاف و جامع که سنخ‌شناسی جذاب و کاربردی از روش‌های یادگیری‌های کارآفرینان را در اختیار ما قرار دهد، انجام نشده است و در الگوهایی که تاکنون ارائه شده‌اند متأسفانه نگاه جزءنگر درباره ابعاد یادگیری کارآفرینانه وجود دارد؛ در حالی که عملکرد کارآفرینی صرفاً حاصل یادگیری یک یا دو روش نیست بلکه حاصل استفاده همزمان از چند روش و به گونه‌ای هم‌افزا و متناسب از منابع چندگانه است. از این رو این مسئله پژوهشی مطرح است: کارآفرینان از چه منابع و روش‌های یادگیری برای ایجاد و اداره کسب‌وکارهای خود استفاده کرده‌اند؟ به بیانی دیگر، الگوی منابع و روش‌های یادگیری کارآفرینان چه ابعادی دارد؟ (مثنوی، ۱۳۸۹).

برای پاسخگویی به این مسئله ابتدا پژوهش‌های مرتبط با موضوع بررسی و چهارچوب مفهومی اولیه تحقیق ترسیم می‌شود. در ادامه، با استفاده از روش‌شناسی روایتی تلاش می‌شود الگوی منابع و روش‌های یادگیری کارآفرینان شناسایی و ارائه شود.

با توجه به موضوع فوق مسئله پژوهشی زیر مطرح است:

کارآفرینان موفق و برتر از چه منابع و روش‌های یادگیری برای پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه خود استفاده کرده‌اند؟ به بیانی دیگر، الگوی منابع و روش‌های یادگیری کارآفرینانه چه ابعادی دارد؟

مروری بر پیشینه تحقیق

در ادامه، پژوهش‌های پیشین بر سه محور منابع یادگیری کارآفرینان، روش‌های یادگیری کارآفرینان و عملکرد یادگیری کارآفرینان بررسی می‌شوند.

منابع یادگیری کارآفرینان

بر اساس شواهد پژوهشی، منابع - روش‌های یادگیری افراد و سازمان‌ها به صورت عمومی (Mumford, 1998) و کارآفرینان به صورت خاص (Shane, 2003; Rae and Carswell, 2000) بر موفقیت آن‌ها تأثیر اساسی دارد.

مینیتی و بایگریو (۲۰۰۱) معتقدند که کارآفرینی ماهیتاً و در اصل همان فرایند یادگیری است و هر نظریه‌ای درباره کارآفرینی الزاماً باید به اندیشه و مفهوم یادگیری توجه ویژه‌ای داشته باشد و تکلیف خود را با آن روشن سازد؛ زیرا اقداماتی که کارآفرینان انجام می‌دهند دانش و بینش آن‌ها را افزایش می‌دهد. گیب (۱۹۹۷) این دیدگاه را حمایت کرده است. او بر تعاملات میان فعالیت‌های کارآفرینانه و یادگیری کارآفرینانه تأکید کرده است.

تلاش مینیتی و بایگریو (۲۰۰۱) برای ارائه مدلی پویا از یادگیری کارآفرینانه یکی از تحقیقات تأثیرگذار در یادگیری کارآفرینانه است. هدف اصلی آن‌ها ارائه چارچوب فرایند تصمیم‌گیری کارآفرینان زیر تأثیر یادگیری در طول زمان است.

بدین منظور یادگیری از تجربه، اطلاعات و خطاها را منابع یادگیری مطرح کرده‌اند؛ اما در نهایت الگوی منسجمی از همه ابعاد یادگیری در این پژوهش ارائه نشده است.

دیکینز و فریل (۱۹۹۸) در پژوهش یادگیری کارآفرینانه و فرایند رشد در شرکت‌های کوچک و متوسط یادگیری از تصمیمات، خطاها، تجربیات و شبکه‌های اجتماعی را منابع یادگیری معرفی کرده‌اند؛ اما پژوهش آن‌ها به تأثیر یادگیری بر رشد شرکت‌ها توجه کرده است و این اثر نیز هیچ الگوی منسجمی از ابعاد یادگیری ارائه نکرده است.

در تحقیق مامفورد (۱۹۹۸)، ترکیب مناسب آموزش و تجربه برای حرکت مدیران به سطوح بالای سازمان تشریح شده است. در این تحقیق، با ۱۴۴ مدیر برای درک چگونگی کسب مهارت‌های کاری مصاحبه و یادگیری آنان از دو منظر چستی و چگونگی بررسی شده است. او در نتیجه این تحقیق یادگیری از تجربه^۱ را متداول‌ترین مرجع مدیران برای تشریح یادگیری می‌داند و در این میان مهم‌ترین ابزار یادگیری از تجربه، کار یا شغل مدیران بوده است. یادگیری از تجربیات شغلی در بیشتر موارد بدون برنامه‌ریزی و ساختار است. یادگیری از انسان^۲ هنگام انجام وظایف کاری نیز یکی دیگر از منابع یادگیری است. یادگیری از انسان احتمالاً نسبت به یادگیری از شغل ساختارمندتر، هدایت‌شده‌تر و هدفمندتر است. در همان پژوهش، روش‌های مطالعه کتاب، سخنرانی، استفاده از مربی، استفاده از مشاور، ایفای نقش و انجام بازدیدهای میدانی برخی از روش‌های یادگیری معرفی شده‌اند.

کوراتکو (۲۰۰۵:۳) نوعی سنخ‌شناسی درباره منابع درک و فهم کارآفرینی ارائه کرده است. او سه منبع مهم برای درک و فهم فرایند کارآفرینی شامل انتشارات، مشاهده مستقیم فعالیت‌های کارآفرینان^۳ و در نهایت گفت‌وگو و ارائه مطلب^۴ را معرفی کرده است. او روش‌های استفاده از منبع انتشارات را شامل: مجلات تخصصی دانشگاهی، کتاب‌های مرتبط با کارآفرینی، بیوگرافی کارآفرینان، گزیده‌ای در مورد کارآفرینان، اخبار دوره‌ای، نشریات مرتبط با کسب و کارهای

-
1. Learning from experience
 2. Learning from others
 3. Direct observation of practicing entrepreneurs
 4. Speeches and presentations

مخاطره‌ای، روزنامه‌ها، شرح کنفرانس‌ها و انتشارات دولتی مطرح کرده است. بر اساس دیدگاه او در دومین منبع اطلاعاتی یعنی مشاهده عملکرد کارآفرینان موارد استفاده از مصاحبه‌ها، پیمایش، مطالعه موردی و تجربیات کارآفرینان برای یادگیری شناسایی و استفاده می‌شوند. تحلیل این تجربیات می‌تواند بینشی درباره ویژگی‌ها و شخصیت کارآفرینان در اختیار ما قرار دهند و به کشف اشتراکاتی مؤثر و سودمند برای تشریح ابعاد فکری کارآفرینی منجر شوند.

سخنرانی کارآفرینان و ارائه مطلب (شامل سمینار) آخرین منبع یادگیری محسوب می‌شود. این منبع نسبت به دو منبع پیشین چندان عمیق نیست اما فرصت شناسایی و یادگیری از دیدگاه‌های کارآفرینان را فراهم می‌سازد.

دیدگاه کوراتکو (۲۰۰۵) از جنبه ارائه یک سنخ‌شناسی برای یادگیری از کارآفرینان نوپا و کارکشته اهمیت دارد.

دیوید ری (۲۰۰۴) تلاش کرده است از طریق کاوش در روایت‌های واقعی زندگی کارآفرینان صنایع رسانه‌ای فرایند یادگیری کارآفرینانه را شناسایی کند. در نتیجه تحقیق، یک الگوی یادگیری کارآفرینانه در سه بعد اصلی شامل: یادگیری از زمینه صنعتی-کاری، یادگیری چگونگی ایجاد سازمان برگرفته از تعاملات اجتماعی و در نهایت یادگیری‌ها در جریان شکل‌گیری هویت شخصی-اجتماعی کارآفرینان پیشنهاد شده است.

دافی (۲۰۰۷) از دیگر پژوهشگرانی است که تلاش کرده است منابع یادگیری کارآفرینان را شناسایی و معرفی کند. او از طریق انجام مصاحبه با کارآفرینان تأثیر حوادث کلیدی غیرمنتظره^۱ متداول در زندگی کارآفرینان، قبل از شروع کسب و کار، بر نتایج یا دستاوردهای فعالیت‌های کارآفرینی آن‌ها توجه کرده است. یافته‌های تحقیق او نشان می‌دهد که کارآفرینان از منابع عمومی، شخصی و حرفه‌ای^۲ برای کسب یادگیری‌های لازم در مواجهه با حوادث کلیدی غیرمنتظره استفاده می‌کنند. این منابع از ارتباطات غیر رسمی-رسمی، اجتماعی و مرتبط با کسب و کار به دست می‌آیند. بر اساس یافته‌های این پژوهش ارتباطات شخصی متداول‌ترین منبع یادگیری کارآفرینان است.

هو (۲۰۰۶) در پژوهشی درباره منابع یادگیری کارآفرینان بر اساس روش پدیدارشناسی و مصاحبه با ده کارآفرین برگزیده یادگیری را منبع اثربخشی فعالیت‌های کارآفرینان و محور فرایند

1. Unexpected Key Event

2. Public, personal and professional

کارآفرینی معرفی کرده است. نتیجه تحلیل‌های حاصل از این پژوهش موارد زیر را نشان می‌دهد:

۱. وجود ارتباط میان یادگیری و شایستگی‌های کارآفرینان؛

۲. یادگیری به صورت فرایندی مستمر؛

۳. یادگیری از طریق انجام کار؛

۴. یادگیری از تجربه؛

۵. یادگیری از دیگران.

در نتیجه مرور پژوهش‌های فوق، نگارندگان موارد یادگیری از تعاملات انسانی (Duffy, 2006; Mumford, 1988; Rae, 2004; HO, 2006; 2007) یادگیری از وظایف کاری (Rae, 2006; HO, 2006; Mumford, 1988; Duffy, 2007) و یادگیری از فعالیت‌های آموزشی-انتشاراتی (Mumford, 1988; Kuratko, 2005) را منابع اصلی یادگیری کارآفرینان معرفی می‌کنند (شکل ۲).

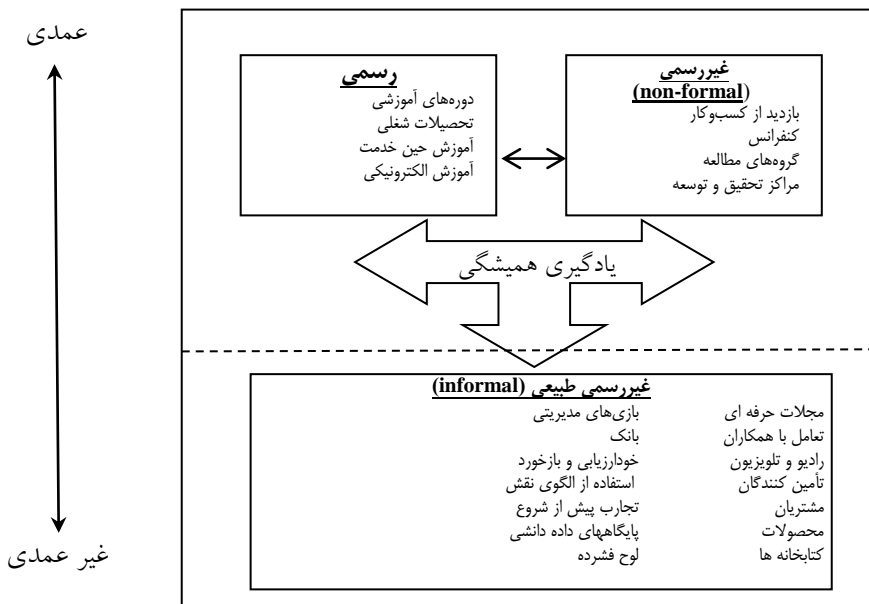
روش‌های یادگیری کارآفرینان

با توجه به اهمیت یادگیری در رشد و بقای شرکت‌های کوچک و متوسط، سولیوان (۲۰۰۰) تحقیقی درباره استفاده از کارآفرینان قدیمی برای راهنمایی کارآفرینان نوپا انجام داده است. در این پژوهش، تأکید شده است که حمایت یک راهنمای برخوردار از دانش، مهارت و تجربه مرتبط با موضوع همراه با دسترسی مناسب به متخصصان دیگر نظامی برای حمایت از کارآفرین به وجود می‌آورد که از روش‌های یادگیری از تحصیلات دانشگاهی و آموزش‌های رسمی مؤثرتر است.

کارآفرینان باید بهره‌برداری از فرصت‌ها را یاد بگیرند؛ در نتیجه راهنمایی که چگونگی تأثیر تجربیات بر عملکرد شرکت و نیز چگونگی جذب دانش از وقایع مربوط را برای کارآفرینان نوپا تشریح کند نقش مهمی در حمایت از این کارآفرینان ایفا می‌کند.

در تحقیق "یادگیری کارآفرینانه و فرایند رشد در شرکت‌های کوچک و متوسط" (Deakins et al., 1998) پژوهشگران برای شناسایی عوامل مؤثر بر یادگیری کارآفرینانه، به مصاحبه با کارآفرینان شرکت‌های کوچک و متوسط پرداخته‌اند. محققان دریافتند که توانایی کارآفرین یا تیم بنیان‌گذار در فرایند رشد شرکت‌های کوچک و متوسط تعیین‌کننده است. رشد این شرکت‌ها نیازمند توانایی کارآفرینان در یادگیری از تصمیمات، خطاها، تجربیات و شبکه‌های اجتماعی است. در تحقیقی دیگر با نام "یادگیری همیشگی کارآفرینان بخش کشاورزی از فعالیت‌های

کاری" (Lans, 2004) روش های یادگیری کارآفرینان بخش کشاورزی مطالعه شده است. در این تحقیق، داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته و نمونه گیری انتخابی از کارآفرینان و شرکت های بخش کشاورزی جمع آوری شدند. ترجیحات کارآفرینان درباره روش های یادگیری مؤثر شناسایی و در شکل ۱ نشان داده شده است. در باب روش های یادگیری کارآفرینان ایرانی پژوهش الیاسی و نوتاش (۱۳۹۰) نشان می دهد که یادگیری از اشتباهات و خطاهای کاری یکی از روش های مهم یادگیری کارآفرینان در محیط کسب و کار ایران است. مرور پژوهش های مرتبط با روش های یادگیری کارآفرینان نشان می دهد گرچه تاکنون روش های یادگیری متنوعی برای کارآفرینان معرفی شده است اما تاکنون یک سنخ شناسایی جامع، شفاف و نظام مند از روش های یادگیری کارآفرینان بر اساس فرایند کارآفرینی ارائه نشده است. یکی دیگر از کاستی های مطالعات قبلی پیوندداشتن روش های یادگیری کارآفرینان با منابع و عملکرد یادگیری کارآفرینان است. به طوری که مشخص نیست هریک از روش های یادگیری برای بهره برداری از کدام یک از منابع سه گانه یادگیری و عملکرد کارآفرینان استفاده می شوند (شکل ۲).



شکل ۱. ترجیحات کارآفرینان درباره روش های یادگیری (Lans, 2004)

عملکرد یادگیری کارآفرینان

ری (۲۰۰۰) از روش مصاحبه و استخراج روایت‌های شغلی-کاری برای فهم چگونگی یادگیری و توسعه رفتارهای کارآفرینانه در کارآفرینان استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد که افراد ابتدا از طریق کسب تجربه توانمندی‌های خود را توسعه می‌دهند و سپس به اهداف جاه‌طلبانه خود دست می‌یابند؛ به بیانی دیگر، توسعه توانمندی‌های کارآفرینانه، ابزاری برای رسیدن به اهداف جسورانه به شمار می‌رود.

دافی (۲۰۰۷) در تحقیقی تأثیر یادگیری بر عملکرد کارآفرینان را بررسی کرده است. او پس از مصاحبه با کارآفرینان و تحلیل مصاحبه‌ها به این نتیجه رسیده است که خروجی‌ها یا عملکرد یادگیری در پنج حوزه شامل «مدیریت منابع انسانی»، «فروش، ارتباط با مشتری و بازار»، «نقش مدیر ارشد»، «مدیریت مالی» و «ارزیابی کسب و کار و مسائل تکنیکی» نمایانگر می‌شود.

راف و همکارانش (۲۰۰۷) نقش یادگیری کارآفرینانه و اکتشاف در پیگیری فعالیت‌های مخاطره‌ای را کنکاش کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که کارآفرینان مهارت‌ها، توانایی‌ها و دانش مورد نیاز برای کارآفرینی را از روش یادگیری تجربی^۱ یا یادگیری مشاهده‌ای^۲ (برای مثال یادگیری از طریق مشاهده یا الگوسازی اقدامات دیگران) کسب کرده‌اند. یادگیری از طریق انجام کار مهم‌ترین عامل در ساده‌شدن غلبه بر دشواری‌ها و چالش‌های کسب و کار در مرحله راه‌اندازی است.

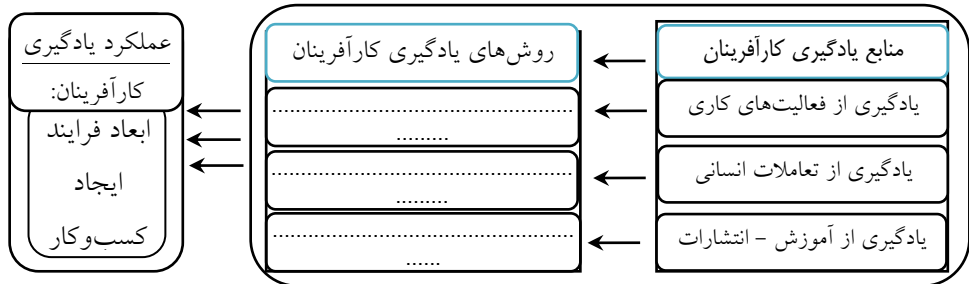
بر اساس پژوهش‌های بالا می‌توان گفت در آثار مربوط به تأثیر یادگیری بر عملکرد کارآفرینی سه دیدگاه زیر وجود دارد. در دیدگاه اول یا همان رویکرد دافی (۲۰۰۷)، خروجی‌ها یا عملکرد یادگیری در پنج حوزه عملکردی تعریف و اندازه‌گیری شده است. راف و همکاران (۲۰۰۹) در دیدگاه دوم به انتخاب یک یا چند شاخص عملکرد کارآفرینی نظیر راه‌اندازی کسب و کار و سنجش تأثیر یادگیری بر این گونه شاخص‌ها توجه می‌کنند. دیدگاه سوم مربوط به سنجش تأثیر یادگیری در شکل‌گیری توانمندی‌های کارآفرینان و همچنین بر تحقق اهداف آن‌هاست (Rauf et al., 2009).

در این تحقیق، برای شناسایی پیوندهای یادگیری بر عملکرد کارآفرینان دیدگاه دوم انتخاب

-
1. Experiential Learning
 2. Observant Learning

می شود؛ بدین معنا که ابتدا مراحل فرایند کارآفرینی تعریف و سپس میزان استفاده کارآفرینان از روش های یادگیری در فرایند کسب و کار ارزیابی می شود. در این تحقیق، از مراحل فرایند کارآفرینی که رینولد و همکاران (۲۰۰۴) پیشنهاد کردند با اعمال اصلاحات تکمیلی استفاده خواهد شد. این مراحل عبارتند از: ایده یابی، ارزیابی ایده، تأمین منابع و تأسیس شرکت و نگارندگان مراحل «تولید یا ارائه خدمات» و «بازاریابی - فروش» را نیز به آن افزوده اند (شکل ۲).

در نهایت، چهارچوب مفهومی تحقیق به شرح شکل ۲ استخراج و پیشنهاد شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی پیشنهادی نگارندگان

روش شناسی تحقیق

هدف تحقیق ارائه الگوی جامع منابع - روش های یادگیری کارآفرینان است. بدین منظور ابتدا پیشینه تحقیق بررسی شده است و منابع سه گانه یادگیری کارآفرینان شامل: یادگیری از تعاملات انسانی، یادگیری از وظایف و فعالیت های کاری و یادگیری از فعالیت های آموزش - انتشارات شناسایی شده است؛ سپس برای تعیین روش های یادگیری مرتبط با هر یک از منابع یادگیری از روش تحقیق کیفی به روش روایتی استفاده شده است. بر این اساس با کارآفرینان نوپا از صنایع مختلف مصاحبه های نیمه باز صورت گرفته است. کارآفرینان نوپا با تحصیلات دانشگاهی جامعه آماری پژوهش هستند که ۱۲ نفر از آن ها به روش نمونه برداری هدفمند و بر اساس ویژگی های متعاقب انتخاب شده اند:

۱. کارآفرین به صورت مستقل یا به همراه یک تیم مدیریتی، کسب و کاری را راه اندازی یا خریداری کرده است.
۲. کارآفرین مدیر یا مدیرعامل کسب و کار است.
۳. عمر کسب و کار بین سه ماه تا سه سال است.

برای استخراج پرسش‌های مصاحبه فعالیت‌های فرایند کارآفرینی شامل ایده‌یابی، ارزیابی ایده، تأمین منابع، تأسیس شرکت، تولید یا ارائه خدمات و بازاریابی - فروش (Reynold et al., 2004) مبنای قرار گرفته و سپس با استفاده از روش مصاحبه واقعه‌محور پرسش‌های مصاحبه طراحی شده است. با این نوع نگاه از کارآفرینان خواسته شده است وقایع و اتفاقات کلیدی مرتبط با فرایند کارآفرینی خود را به تفکیک و بر اساس چهار بعد یک واقعه (موقعیت، وظیفه، فعالیت و نتایج)^۱ تشریح کنند.

پس از انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با کارآفرینان برگزیده، متن مصاحبه پیاده شده است و برای دستیابی به الگوی منابع و روش‌های یادگیری کارآفرینان تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری و به شرح زیر انجام گرفته است:

گام اول: استخراج شواهد گفتاری یا همان کدهای اولیه مرتبط با هر یک از فعالیت‌های فرایند کارآفرینی از متن مصاحبه‌ها.

گام دوم: شناسایی کدهای ثانویه {ادغام مفاهیم مرتبط و حذف مفاهیم غیر مرتبط برای دستیابی به روش‌های یادگیری کارآفرینان در هر یک از مراحل فرایند کارآفرینی (کدهای ثانویه)}.

گام سوم: شناسایی مقوله‌ها؛ مرتبط کردن هر یک از روش‌های یادگیری با یکی از منابع سه گانه یادگیری شامل: یادگیری از تعاملات انسانی، یادگیری از وظایف کاری و یادگیری از آموزش - انتشارات.

برای تقویت روایی پژوهش بر دو معیار ابزار مصاحبه و انتخاب درست نمونه تأکید شد. ابزار مصاحبه از طریق ادغام فرایند کارآفرینی با ابعاد یک واقعه (STAR) تهیه شد و در اصلاح و تکمیل آن از نظر خبرگان دانشگاهی بهره برده شد. از سوی دیگر، تلاش شد با انتخاب کارآفرینان فعال برخوردار از معیارهای موصوف، داده‌های مرتبط با موضوع احصا شود تا از این طریق روایی پژوهش کیفی مقبول‌تر باشد. برای اطمینان از پایایی تحقیق نیز مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت تا در صورت مراجعه به افراد بیشتر داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگ‌تر شدن یا اضافه شدن به تئوری موجود شود به پژوهش وارد نشود (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱).

یافته‌ها

در این پژوهش، با ۱۲ نفر از کارآفرینان مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد که از مصاحبه ۱۰ به بعد اشباع نظری حاصل شد و دو مصاحبه بعدی برای اطمینان از کفایت داده‌ها انجام گرفت. هر مصاحبه با تشریح فرایند مصاحبه و تأکید بر تعاملات دوطرفه محقق و مصاحبه‌شونده در چنین تحقیقاتی انجام شده است. تمامی مشارکت‌کنندگان در تحقیق تحصیلات دانشگاهی و کسب‌وکار داشتند و عمر کسب‌وکار آن‌ها کمتر از سه سال بوده است. از ۱۲ نفر شرکت‌کننده در این تحقیق ۱۰ نفر مرد و ۲ نفر زن بودند و سن آن‌ها بین ۲۵ تا ۵۳ سال بود. تمامی کارآفرینان مدرک دانشگاهی داشتند که از این میان ۱ نفر کاردانی، ۲ نفر کارشناسی، ۵ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۳ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند.

برای تعیین روش‌های یادگیری مرتبط با هر یک از منابع و نیز سنجش عملکرد یادگیری از ابزار مصاحبه استفاده شد. ابتدا، متن کامل مصاحبه‌ها بر اساس فایل‌های صوتی ثبت‌شده در قالب جدول ۲ نوشته شد تا داده‌های لازم برای کدگذاری فراهم شود.

جدول ۱. بخشی از مصاحبه با نمونه شماره ۱

کد مصاحبه شونده: ۰۱	جنسیت: زن
تحصیلات: فوق دیپلم	سن: ۲۵
موضوع کسب‌وکار: آلتیه عکاسی	
زمان تأسیس: تیرماه ۸۹	تعداد کارکنان: ۹
وضعیت مالکیت: <input type="checkbox"/> عضو هیئت مؤسس <input checked="" type="checkbox"/> مؤسس	
<p>چطور شد که این ایده به ذهنتان رسید؟</p> <p>در واقع، ایده اصلی روی پل عابر پیاده به ذهنم رسید. من همراه خانواده‌ام به یک محل تفریحی رفته بودیم که دیدم آنجا از خانم‌ها و آقایان با لباس‌های محلی عکاسی می‌کنند و ما هم علاقه‌مند شدیم عکس بگیریم؛ اما به خاطر عقاید مذهبی خیلی سخت بود که در فضای باز لباسمان را عوض کنیم و عکس بگیریم. وقتی بر می‌گشتیم، با خواهرم صحبت کردم. او به من گفت ما می‌توانیم این کار را برای خانواده‌هایی که عقاید مذهبی مشابه ما دارند انجام بدهیم. برای شروع هم می‌توانیم سراغ مدارس دخترانه برویم. این شد که ما با دوربینی که داشتیم کارمان را شروع کردیم و موفق شدیم.</p>	

کدگذاری داده‌ها در سه مرحله صورت گرفته است که گزارش آن به ترتیب ارائه می‌شود.

گام اول: کدگذاری اولیه

در گام اول تحلیل داده‌ها شواهد گفتاری (کدهای اولیه) مرتبط با هر یک از مراحل فرایند کارآفرینی (شامل ایده‌یابی، ارزیابی ایده، تأمین منابع، تأسیس شرکت، تولید یا ارائه خدمات و

بازاریابی - فروش) به تعداد ۲۰۰ مورد از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. برای نمونه بخشی از شواهد گفتاری مرحله ایده‌یابی به شرح جدول ۲ ارائه می‌شود:

جدول ۲. نمونه کدهای اولیه در مرحله ایده‌یابی

کد	گزاره کلامی	شواهد گفتاری
۱۷	ایده‌های اولیه‌مان هم بیشتر از همان زمینه درسی‌مان بود و مقداری هم تجربه‌های کاری یا کارآموزی که بچه‌ها انجام داده بودند	کارآموزی رسمی آموزش درسی
۱	وقتی بر می‌گشتیم، با خواهرم صحبت می‌کردم. او به من گفت ما می‌توانیم این کار را برای خانواده‌هایی که عقاید مذهبی مشابه ما دارند انجام بدهیم	گفت‌وگو با خواهر
۴	با مرکز تحقیقات فیلیپین شروع کردم و در این مورد که باگاس را به چه صورت خواهیم داشت، این موارد در چه دمایی هست، محیط چیست، چه مقدار از این مواد خواهیم داشت و... با آنها مکاتبه کردم و از آنها خواستم بگویند در این زمینه چه پیشنهادی دارند. چه اطلاعات و مشورتی می‌توانند به ما بدهند و به نظرشان با این مواد چه کار کنیم	مکاتبه یا تعامل با مراکز تحقیقاتی بین‌المللی

گام دوم: کدگذاری ثانویه

در گام دوم تحلیل داده‌ها، ۲۱ مورد کدگذاری ثانویه انجام گرفت؛ به این معنا که تلاش شد شواهد گفتاری کارآفرینان از وقایع زندگی‌شان در قالب مؤلفه‌های شفاف و روشن سامان داده شود. این کار ابتدا از طریق حذف و ادغام شواهد گفتاری تکراری و مرتبط با روش‌های یادگیری کارآفرینان (کدهای ثانویه) انجام شد. نمونه‌ای از اقدامات انجام گرفته در مرحله دوم تحلیل‌ها در جدول ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳. نمونه کدگذاری ثانویه در مرحله ایده‌یابی

کد موارد مرتبط	شواهد گفتاری	روش‌ها
۱۷-۱۸-۳۸-۲۶	پروژه درسی - تحصیلات دانشگاهی - کارآموزی رسمی - دوران تحصیل قبل از دانشگاه	تحصیلات رسمی
۴۶-۲۹		
۱-۲-۴۲	گفت‌وگو با برادر، خواهر، همسر	گفت‌وگو با اعضای خانواده
۳۴-۳۷-۲۰	دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت - مراکز آموزشی	دوره‌های آموزشی
۴-۱۶	ارتباط با مراکز تجاری بین‌المللی	مکاتبات با مراکز تجاری - تحقیقاتی

گام سوم: مرتبط کردن روش های یادگیری با منابع سه گانه

در گام سوم، تلاش شد ۲۱ مؤلفه یا همان روش های یادگیری کارآفرینان به منابع یادگیری پیوند داده شوند. برای تشخیص اینکه هر روش با چه منبعی ارتباط دارد ابتدا معیار یا شاخص شامل ارتباط انسانی، انجام وظیفه، استفاده از دوره های آموزشی یا منابع انتشاراتی مکتوب تعریف شد. در گام بعدی، همه مؤلفه ها با سه شاخص موصوف مقایسه و ارتباط آن ها مشخص شد.

جدول ۴. نمونه مرتبط کردن روش های یادگیری با منابع سه گانه

منابع یادگیری			روش ها
آموزشی-انتشاراتی	وظایف کاری	تعاملات انسانی	
✓			مطالعه اسناد، کتاب ها و مجلات
✓			گذراندن تحصیلات رسمی
✓			دوره های آموزشی موردی
		✓	گفت و گو و بحث با اعضای خانواده
	✓		انجام وظایف کاری
	✓		مکاتبه یا تعامل با مراکز تجاری-
			تحقیقاتی
	✓		انجام پروژه های کاری
✓			جست و جو و کنکاش در اینترنت

در نهایت، پس از انجام سه مرحله تحلیل برای تمامی مراحل کسب و کار، الگوی جامع منابع - روش های یادگیری کارآفرینان به شرح شکل ۳ ترسیم شد. برای قضاوت در مورد الگو، میزان یکنواختی در استفاده از منابع - روش های یادگیری کارآفرینان در مصاحبه ها ملاک قرار گرفته است. کارآفرینان در استفاده از منابع یادگیری به صورت جهان شمول رفتار کرده اند؛ به بیانی دیگر، تمامی کارآفرینان شرکت کننده از منابع مشترکی برای یادگیری استفاده کرده اند؛ اما از آنجا که کارآفرینان در مراحل فرایند کارآفرینی از روش های گوناگونی استفاده کرده اند، وحدت روش یادگیری در مصاحبه ها مشاهده نمی شود، از این رو در استفاده از روش ها رویکرد اقتضایی حاکم بوده است؛ به عبارت دیگر، عوامل اقتضایی از قبیل: ویژگی های شخصیتی، وضعیت خانوادگی، کسب و کار و عوامل محیطی روش های یادگیری کارآفرینان را شکل می دهند و بر همین اساس افراد از روش های گوناگون یادگیری در کسب و کارها استفاده کرده اند. پس الگوی پیشنهادی بر اساس دو دیدگاه جهان شمولی در ارکان و اقتضایی در روش ها پیشنهاد می شود.

بر اساس سنخ‌شناسی پیشنهادی روش‌های برتر یادگیری کارآفرینان از منبع تعاملات انسانی-اجتماعی عبارتند از: گفت‌وگو و صحبت با هموعان و همقطاران، گفت‌وگو و صحبت با مشتریان، گفت‌وگو و صحبت با اعضای خانواده، گفت‌وگو و صحبت با دوستان، گفت‌وگو و صحبت با مشاوران یا استادان دانشگاهی، گفت‌وگو و صحبت با رقبا.

از سوی دیگر، روش‌های برتر یادگیری کارآفرینان از منبع فعالیت‌ها-وظایف کاری عبارتند از: ارتباط با مراکز تحقیقاتی تجاری، مشارکت در جلسات کاری، مشارکت در پروژه‌های کاری، انجام آزمون و خطا در فعالیت‌های کاری، مشاهده و الگوبرداری از فعالیت‌های رقبا.

روش‌های یادگیری کارآفرینان در منبع فعالیت‌های انتشارتی-آموزشی عبارتند از: دسترسی و مطالعه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، جست‌وجو و کنکاش در اینترنت، گذراندن دوره‌های آموزشی مرتبط با موضوع، درس‌ها و پیام‌های حاصل از تحصیلات رسمی، مطالعه کتاب‌ها و مجلات مرتبط با موضوع.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ارائه یک سنخ‌شناسی جدید از منابع، روش‌ها و عملکرد یادگیری کارآفرینان مشارکت نظری اصلی محسوب می‌شود. بحث‌های این پژوهش بر اساس سه مقوله: الگوی منابع-روش‌های یادگیری، روش‌های یادگیری و عملکرد یادگیری کارآفرینان به صورت جداگانه مطرح می‌شود.

ری (۲۰۰۵) در پژوهشی با نام "تجربیات یادگیری کارآفرینان در شرکت‌های کوچک و متوسط در هنگ‌کنگ" به رابطه میان یادگیری و فعالیت‌های کارآفرینانه توجه کرده است؛ اما نقش هر یک از منابع یادگیری در مراحل مختلف کارآفرینی را مشخص نکرده است، در حالی که در الگوی پیشنهادی منابع و روش‌های یادگیری کارآفرینان در فرایند کسب و کار شناسایی و مطرح شده است. به علاوه هو در ارائه الگوی خود یادگیری از طریق انجام کار، یادگیری از تجربه و یادگیری از دیگران را منابع یادگیری کارآفرینان معرفی کرده است؛ اما هیچ اشاره‌ای به یادگیری از منابع آموزشی-انتشارتی در فعالیت‌های یادگیری کارآفرینان نکرده است. به علاوه یادگیری از تجربه در اینجا به صورت منبعی جداگانه مطرح شده و به هم‌پوشانی آن با دو منبع دیگر یادگیری (انجام کار و دیگران) اشاره‌ای نشده است. در صورتی که مقوله تجربه



شکل ۳. الگوی جامع منابع و روش های یادگیری کارآفرینان نوپا

از طریق هم‌افزایی میان منابع مختلف یادگیری شکل می‌گیرد. در نهایت، در الگوی پیشنهادی این پژوهش ارتباط میان منابع و روش‌های یادگیری در قالب یک سنخ‌شناسی ویژه کارآفرینان ارائه شده است.

دافی (۲۰۰۷) در پژوهشی با نام "یادگیری کارآفرینانه" سعی کرده است نقش حوادث کلیدی غیر منتظره را قبل از شروع به فعالیت کارآفرینانه در عملکرد کارآفرینان مشخص کند. او معتقد است کارآفرینان از منابع عمومی، شخصی و حرفه‌ای برای یادگیری استفاده می‌کنند و این منابع از ارتباطات غیررسمی - رسمی، اجتماعی و مرتبط با کسب و کار به دست می‌آیند. او منابع یادگیری را صرفاً حاصل ارتباطات شخصی افراد می‌داند، در حالی که در این تحقیق ارتباطات انسانی - اجتماعی صرفاً یکی از منابع یادگیری پیشنهادی است و به‌تنهایی کارآمدی لازم برای شکل‌دهی به فرایند کارآفرینی را ندارد.

در تحقیق ری (۲۰۰۵)، با نام "یادگیری کارآفرینانه مدلی عملی از صنایع خلاق" به نقش انسان و کار در یادگیری کارآفرینان اشاره شده است؛ به طوری که مؤلفه‌های نقش خانواده و مشارکت‌های فرهنگی، مؤلفه‌های مرتبط با تعاملات انسانی و مؤلفه‌های یادگیری حاصل از جذب‌شدن در صنعت و تئوری‌های کاربردی از اقدامات کارآفرینانه یادگیری از کار را پوشش می‌دهند؛ اما درباره یادگیری از منبع انتشارات - آموزش هیچ مؤلفه‌ای وجود ندارد. به طور کلی، به نظر می‌رسد در مدل‌سازی یادگیری کارآفرینان بیشتر به فرایند یادگیری در "دوران زندگی کارآفرینان"، توجه شده است و از سازماندهی منابع - روش‌های یادگیری در "مراحل حیات کسب و کار" غفلت شده است.

در باب روش‌های یادگیری کارآفرینان، به نظر می‌رسد مهم‌ترین نقدی که به تحقیقات متداول درباره روش‌های یادگیری کارآفرینان وارد است نبود یک سنخ‌شناسی قوی و نظام‌مند از روش‌های یادگیری کارآفرینان است؛ پس در ارائه الگوی منابع - روش‌های یادگیری کارآفرینان تلاش شده است با شناسایی روش‌های یادگیری کارآفرینان در هر یک از مراحل کارآفرینی یک سنخ‌شناسی جدید از روش‌های یادگیری کارآفرینان ارائه شود.

یکی دیگر از کاستی‌های مطالعات قبلی پیوندناشتن روش‌های یادگیری کارآفرینان با منابع یادگیری است. به نظر می‌رسد که فقط مامفورد (۱۹۹۸) تلاش کرده است روش‌های یادگیری از کار را در ارتباط با منابع یادگیری سازماندهی و تعریف کند، در صورتی که در الگوی

پیشنهادی روش های یادگیری کارآفرینان در هر مرحله با منابع یادگیری شامل: تعاملات انسانی، وظایف کاری و آموزش مرتبط شده است.

از سوی دیگر، در باب عملکرد یادگیری کارآفرینان پژوهش های محدودی صورت گرفته است (Raw, 2000; Duffy, 2007; Reynold, 2004). عملکرد یادگیری به مجموعه دستاوردهای حاصل از یادگیری در فرایند کسب و کار شامل: ایده پردازی، تشخیص فرصت و بهره برداری از فرصت گفته می شود (HO, 2003).

نگارندگان موفق به یافتن تحقیقی شفاف و جامع درباره روش های یادگیری کارآفرینان در فرایند کسب و کار نشدند.

پیشنهادها

پیشنهادهای پژوهشی بر اساس جامعه آماری، روش تحقیق، محدودیت های تحقیق و امتداد یافته های این پژوهش عبارتند از: انجام تحقیق مشابهی برای کارآفرینان در صنایع مختلف به صورت همگن، بررسی منابع - روش های یادگیری در دوره های حیات متفاوت کارآفرینی، طراحی ابزارها و مقیاس های عملیاتی برای سنجش کمی الگو طرح شده، توجه به منابع - روش های یادگیری کارآفرینان در فرایند کارآفرینی به تفکیک و به صورت تخصصی، شروع کار با روش مصاحبه عمیق و سپس تکمیل آن با روش کمی، الگوسازی نقش و شیوه هم افزایی در منابع و روش های یادگیری کارآفرینان در فرایند کارآفرینی، توجه به منابع - روش های یادگیری در حرفه های مختلف به صورت تطبیقی.

پیشنهاد اصلی کاربردی این تحقیق به شرح زیر است:

کارآفرینان تلاش می کنند از روش های گوناگون در جریان فرایند ایجاد و اداره کسب و کار به صورت اقتضایی استفاده کنند. به عقیده نگارندگان روش های موصوف باید در محیط های آموزشی شبیه سازی و به نسل علاقه مند انتقال داده شوند و از سوی دیگر مشاوران کسب و کارهای نوپا نیز تلاش کنند مدیران و رهبران کسب و کارهای کوچک را به درگیر شدن در روش های موصوف برای یادگیری ترغیب کنند.

منابع

- مثنوی، ندا (۱۳۸۹)، شناسایی الگوی منابع- روش‌های یادگیری کارآفرینان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران.
- محمدی الیاسی، قنبر؛ نوتاش، هادی (۱۳۹۰)، شناسایی ریشه‌های شکست کارآفرینان کارکشته ایرانی: نگاهی روایتی گفتمانی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۳۱-۵۰.
- رنجبر، هادی و همکاران (۱۳۹۱)، نمونه‌گیری در پژوهش کیفی: راهنمایی برای شروع، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی، سال دهم، شماره ۳، صص ۲۵۰-۲۳۸.
- Beach, D. (1980). *Personnel: The Management of People at Work*. New York: Macmillan
- Deakins. D, Freel. M. (1998). *Entrepreneurial Learning And The Growth Process In SMEs*, Learning Organization, Vol. 5 Issue: 3, pp.144 – 155
- Duffy, S. (2007). *January. Entrepreneurial Learning :Exploring Unexpected Key Event in the in the Post Start-Up Period*, The Faculty of the George Washington University School of Business.
- Edwards, L.J., Muir, E. J. (2005). *Promoting Entrepreneurship At The University Of Glamorgan Through Formal And Informal Learning*, Journal of Small Business and Enterprise Development , Vol. 12 Issue: 4, pp.613 – 626.
- Gibb, A. (1997). *Small Firms Training And Competitiveness :Building Upon The Small Business As A Learning Organization*, International Small Business Journal, Vol. 15, No. 3, pp. 13-29 .
- HO, F. (2003). *Entrepreneurship Learning Experience in Small and Medium Sized Enterprises in Hong Kong :A Phenomenological Study*, Washington, DC :The Faculty of Graduate School of Education and Human Development, Georg Washington University.
- Kuratko. D. F. (2005). *The Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trends, and Challenges*, Entrepreneurship Theory and Practice, Volume 29, Issue 5, pages 577-598.
- Lanse, T (2004). *Work Related Long-Life Learning For Entrepreneurs in The Agri-Food Sector*. International Journal of Training and Development, Vol. 8, pp. 72-88.
- Lohman , (2009). *A Survey Of Factors Influencing The Engagement Of Information Technology Professionals In Informal Learning Activities*, Learning, and Performance Journal, Vol 25, No. 1, pp. 43-53.
- Miniti, M. & Bygrave, W. (2001). *A Dynamic Model of Entrepreneurial Learning*, Entrepreneurship Theory & Practice, Vol. 25, No.3, pp.5-16.

- Mumford, A. (1988). *Developing Top Managers*. Gower Publishing Company.
- Rae, D., Carswell, M. (2000). *Towards A Conceptual Understanding Of Entrepreneurial Learning*. Journal of Small Business and Enterprise Development, Vol.42, No.4/5. pp.150-158.
- Rae, D. (2000). *Entrepreneurial Learning :A Question of How?* International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, Vol.6, No.4, pp.144-159.
- Rae, D. (2004). *Entrepreneurial Learning :A Practical Model From The Creative Industries*. Education and Training, Vol. 46, No.8/9, pp.92-500.
- Rae, D. (2005). *Mid-Career Entrepreneurial Learning*. Education and Training, Vol.47, No. 8, Pp. 562-574.
- Rauf, M. S., & Zainullah, M. (2009). *Entrepreneurial Learning, Heuristics and Venture Creation*. Jönköping, Sweden.
- Ravasi, D., Turati, C., Marchisio, G. & Ruta, C. D. (2004). *Learning In Entrepreneurial Firms: An Exploratory Study*. International Studies in Entrepreneurship, Vol 3, pp. 165-184 .
- Reynolds, P. D., Carter, N. M., Gartner, W. B, Greene, P. G. (2004). *The Prevalence Of Nascent Entrepreneurs In The United States: Evidence From The Panel Study Of Entrepreneurial Dynamics*. Small Business Economics, Vol. 23, pp. 263-284.
- Shane, S. A. (2003). *A general theory of entrepreneurship: the individual-opportunity nexus*. UK: Edward Elgar Publishing.
- Sullivan, R. (2000). *Entrepreneurial Learning and Mentoring*. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, Vol.6, No.3, pp.160-175.
- Warren, L. (2004). *A systemic approach to entrepreneurial learning .an exploration using storytelling*. Systems Research and Behavioral Science, Vo.21, No.1, pp. 3-16.
- Wood, EJ (2004). *Problem-based learning*. Acta Biochimica Polonica, Vol.51, No.2, pp. 14-24.